

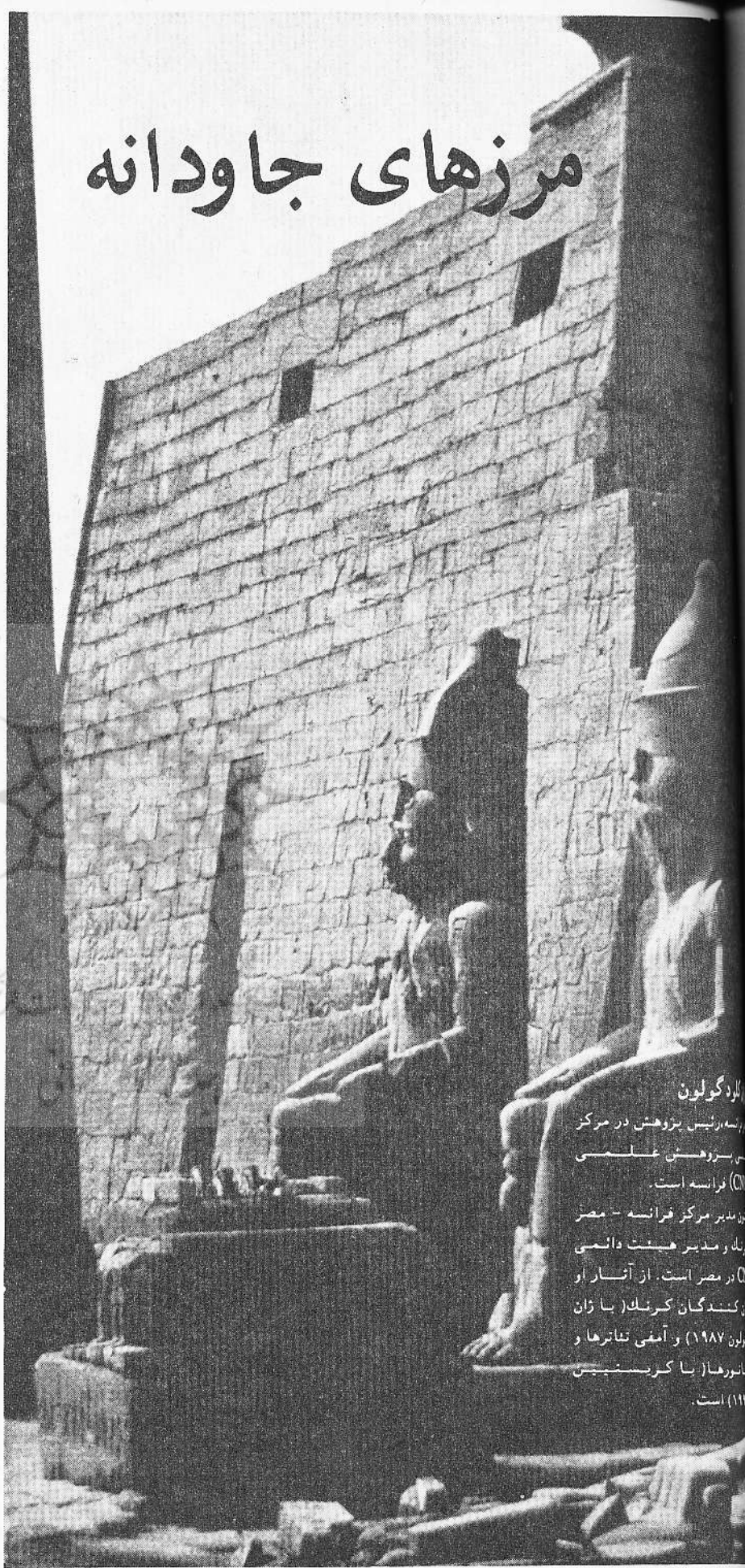
# مرزهای جاودانه

نوشته: ژان کلود گولون

محل معابد فرعون مصر هماهنگ با سنتی انتخاب میشد که ریشه‌های آن گاهی در غبار زمان گم می‌شود. برای مثال معبد آمون - رع در کرنک، نشان میدهد که نخستین خشکی از آبهای نوبون (نخستین اقیانوس) بیرون آمده است. حجاری روی معبد این خشکی را برآمدگی نوک تیزی نشان میدهد که امون در آغاز جهان آن را بالا آورد و پیرامون آن به شکل دادن جهان ادامه داد. باستانشناسان معتقدند نام این «خدا» (ایم، آمون) به معنای (آن که پنهان است) می‌باشد. یعنی خدائی که به هر شکل و به هر اندازه درمیآید و در درونی‌ترین ژرفای همه موجودات و همه مواد جهان نفوذ میکند.

اما مصریهای باستان می‌پنداشتند که نیروهای نهفته شیطان، که فقط «خدا» می‌توانست بر آنها فائق آید به یکباره شکست نخواهند خورد. لذا امری حیاتی بود که آمون را به مبارزه‌ای دائم و منظم با این نیروهای شیطانی، تشویق کنند تا از خلقت جهان بازنايستند. این سرمنشأ تمام عبودیتی بود که در معابد نسبت به آمون ابراز میشد. با پیشکشهای درخور توجه که در زمانهای مناسب و طی تشریفات مذهبی مفصل به درگاه خدا برده می‌شد، کوشش می‌شد خدا در چارچوب حیات مقدس و به دور از نیروهای شیطانی نگهداشته شود تا جهان خلقت در حال تعادل بماند. کاوشهای باستانشناسی نشان میدهد بخش کوچکی از ذات یزدانی در مجسمه طلایی کوچکی گنجانده می‌شده که بلندی آن از یک زرع (۵۲ سانتی متر) تجاوز نمی‌کرده و این مجسمه کوچک در نوعی ضریح (ناتوس) هرمی شکل از جنس گرافیت مونولیتی قرار داشت، ضریحی با دو دریچه چوبی که زیبایی آن را دوچندان میکرد.

در مصر باستان، معابد مکانی صرف، برای عبادت و محل تجمعی برای مؤمنین نبود، بلکه خانه خدا در روی زمین بود، خانه‌ای تاریک و بس اسرارآمیز که فقط کاهنان و فرعون به آن دسترسی داشتند و در این میان نیز در درجه اول فرعون بود که از امتیاز استثنایی دیدار آمون برخوردار بود و از خیره شدن به چهره خدا لذت می‌برد. مهمترین بخش معبد که انرژی عظیم لازم برای تقویت خلقت در آن نگهداری می‌شد، در عین حال به گونه‌ای متناقض کوچکترین بخش آن نیز بود. بخشی کوچک که مجسمه کوچک خدا در آن قرار داشت. محفظه‌های متعددی که این نیرو (خدا) در آنها قرار داده شده بود برای حفظ آن از هر آسیب زبانباری بود. مجسمه خدا و ضریح آن، که نخستین محفظه تندیس به شمار می‌رفت، در اتاقک کوچک و تاریکی (عبادتگاه) قرار داشتند. در این مکان بس تاریک و اسرارآمیز، تنها کار کاهنان این بود که خدمتگزاران وفادار این رب النوع بس مقدس



ژان کلود گولون

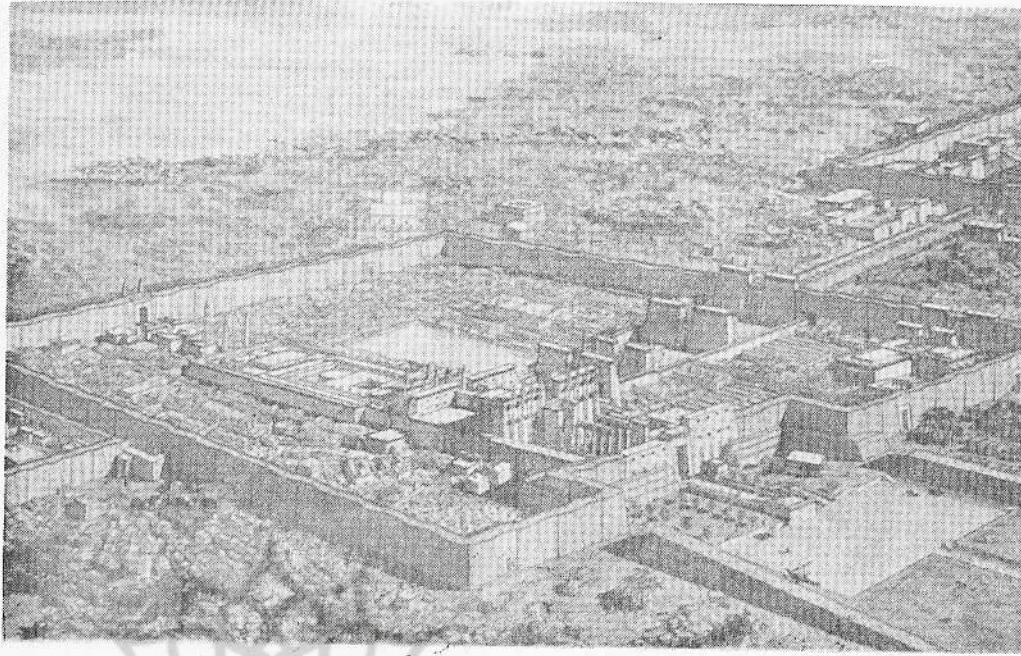
رئیس پژوهش در مرکز  
پژوهش علمی  
(C) فرانسه است.  
مدیر مرکز فرانسه - مصر  
پاک و مدیر هیئت دانشی  
در مصر است. از آثار او  
نویسندگان کرنک (با ژان  
گولون ۱۹۸۷) و آنگی نتاترها و  
ناتورها (با کریستین  
است.



### کرنک، معبد شاهي

معبد آمون - رع در کرنک احتمالاً در سده بیست و یکم پیش از میلاد در زمان پادشاهی سوسوتریس اول (۱۸۷۱ تا ۱۹۲۹ پیش از میلاد) بنیان شد. اندازه آن مدام بزرگ شد تا به شکل مجتمع ساختمانی عظیم و چهارگوشه درآمد که فاصله یک گوشه آن تا گوشه دیگری از ۶۰۰ متر است. عظمت این ابعاد و تأثیر آن همه دگرگونی به این دلیل بود که کرنک معبد شاهان بزرگ مصر شد. هر فرعونی برای یافتن سرچشمهٔ حقانیت خود به آن آمد. پادشاه جدید هنوز عبادت خود را به جای نیاورد. ساختمانی برای پذیردانی خود، آمون، بر پامی کوهٔ بخششها و لطف بیشتری از او دریافت کند. به این ترتیب، یک سیستم بده-بستان بین «خدا» و شاه برقرار میشد که پایداری کشور را پی ریزی میکرد. هر بنا که نخست و پیش از هر چیز یک پیشکش بود، ممکن بود در حکومت بعدی به وسیلهٔ پادشاهی که به نوبه خود میخواست کاری ممتاز انجام دهد، نابود شود.

اما عجیب آنکه سنگهای بنای نابوده شده دوباره در ساخت بنای جدید به کار برده می شد. به این ترتیب، کرنک حاصل تاریخ طولانی تخریبها، ساختها و تغییر شکلهاست و در نتیجه پی ها و دیوارهای ضخیم آن از



معبد بزرگ آمون - رع، کرنک.

می باشند.

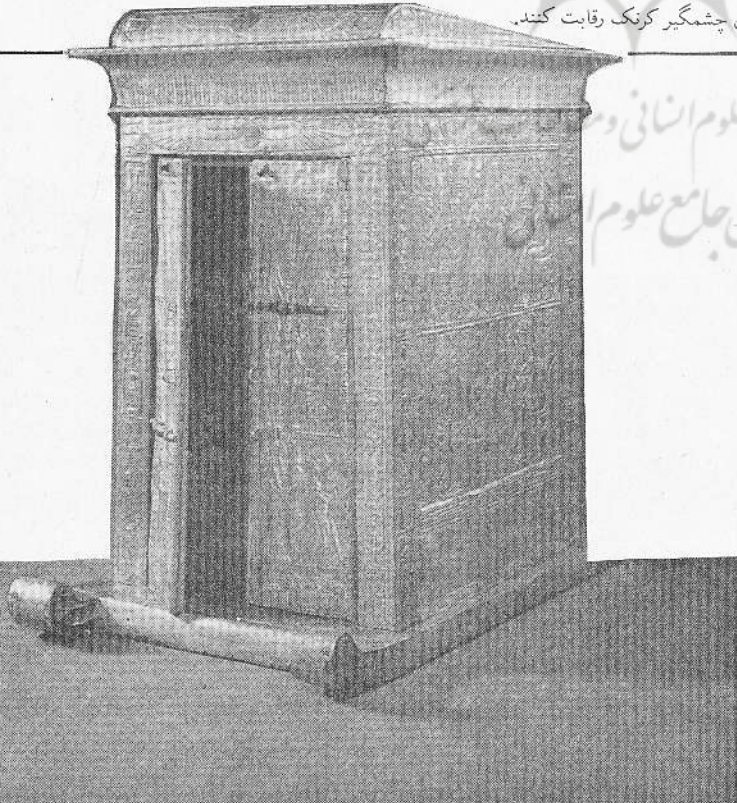
تقدیم شد، تقریباً به تمامی از بین رفته است، ضمن اینکه پرستشگاههای «پتاح» در ممفیس یا نت در هرموپولیس که در اثر فرسایش به شدت ویران شده اند، نمی توانند با خرابه های چشمگیر کرنک رقابت کنند.

در این مکان خدا هر روز به گونه ای پرستش می شد که گویی موجودی است از گوشت و خون. آیینهای مذهبی، سرودها و نیایشهای گوناگون، این مراسم روحانی روزانه و تکراری را همراهی میکردند. در هر بامداد، کاهن بزرگ مَهْری را که از گل رس ساخته شده و در پایان روز پیش نصب شده بود می شکست و به این ترتیب ریسمانی محافظ قرار میداد. بعد به شستشو و لباس پوشاندن خدا می پرداخت و در طول روز مراقب بود که پیشکشهای غذایی لازم در اختیار خدا گذاشته شود. باور کاهنان و مومنین بر این بود که خدا از جوهر نهفته در درون استفاده می کند و به ظاهر مادی آن توجهی ندارد. غذاها پس از استفاده آمون به محراب شاهي فرستاده می شد. سپس برای کاهنان که شکلهای مادی تری از آفرینش بودند فرستاده می شد.

بسیاری از معبدهای دیگر مصر، از جمله معبد مشهور الاقصر، به آمون تقدیم شده بودند. خدایی که وحدانیتش در سرودها و نیایشها اعلام میشد چگونه می توانست در یک زمان در چند مکان مختلف باشد؟ برای مصریها تناقضی وجود نداشت. در واقع امر، مجسمه های آمون که در دل پرستشگاهها جای داشت، به سادگی در حکم نقاط «تمرکز» و «ظهور» برای این خدای همه جا حاضر و ناظر به شمار میرفت.

برخی شهرها، خدایان دیگری را نیز پرستش میکردند، اما معابد آنها به خوبی معبد کرنک حفظ نشده اند. پرستشگاه بزرگ هلیوپولیس، که به «رع»

صریح از ورقه طلا تانوس، از مقبرهٔ تورانوس.







باین، معبد خونس، خدای ماه. در کرنک، یک سری در به پرستشگاه ختم می‌شد که پیش از آن محرابی برای دریافت پیشکشهای نذری قرار داشت.

بالای درها بیرون میزد، قرص خورشید دیده میشد که دو مار کبری ایستاده در دو جهت مخالف، از آن محافظت می‌کردند. مسیر آسمانی خورشید با دو بال گشوده تصویر می‌شد. درون اتاقها، صحنه‌های مذهبی، آیینهای اصلی‌یی که با شرکت خدایان، شاه و کاهنان-پیشکشا، اعمال تبرک، مراسم تاجگذاری یا جشنها- اجرا می‌شد را نشان می‌دادند. در بیرون، صحنه‌هایی تصویر شده بود که پیروزیهای دوران سلطنت را نشان می‌داد: کشتار دشمنان، نبردها و فتوحات بنیانگذاری یک معبد با مراسمی مشخص می‌شد که در آن توالی عملیات ساختمان‌سازی با اعمال نمادی همراه بود. بسیاری از نقشها، شاه را در حالی نشان می‌دهد که با ریسمانی طرح معبد را مشخص می‌کند. در این نقش می‌بینیم که شاه نخستین شیار را با بیلچه می‌کند، پی را با نمک قلیا صاف می‌کند، با کمک اهرم سنگهای پی را در جایشان قرار میدهد و سرانجام خانه را به خداوند خود، آمون-رع هدیه می‌کند.

به این ترتیب، معبد مانند یک موجود زنده متولد می‌شد. در یک گوشه معبد یک «گنجینه» دفن می‌شد. این گنجینه مجموعه‌ای بود از مدلهای ابزارها، نمونه‌های پیشکشا (کاهوهای سفالی لعاب دار، سروپای گاونزو غازه‌های قربانی) و بلوکهای ذغال فشرده که نام و نشان پادشاه بناکننده معبد روی آنها حک شده بود. این گنجینه‌ها برای باستان‌شناسان پس از زمین‌شدن، زیرا چیزی معادل گواهی تولد به شمار می‌رود چرا که باستان‌شناسان به کمک آنها می‌توانند تاریخی برای ساخت یک معبد تعیین کنند. معابد دیگر بخشی از مجتمع را تشکیل می‌دادند که برای تضمین بقای فرعون مرده در دنیای دیگر طراحی شده بودند. در باور مصریان باستان انسان چند جزء داشت: بدن، که پوشش مادی روح انسان بود (و برای حفظ آن مومیایی می‌کردند)، با (روح)، آخ (جوهر فناناپذیر)، سایه و کا (تیروی زندگی). کای پادشاه تجسم شان پادشاهی او، بخش ویران نشدنی آسمانی وجودش بود و پس از مرگش به کای نیاکان یزدانش می‌پیوست.

هرم به مقبره شاهی مربوط بود، هم از لحاظ شکل که بقایای نمادین توده خاکریز اصلی و در نتیجه زایش جهان بود و هم از لحاظ در یک ردیف قرار گرفتن با چهار جهت اصلی، با رشته پلکانی که برحسب مورد در درون یا بیرون قرار داشت. بنابراین هرم، پادشاه را قادر به صعود به بهشت می‌ساخت، یا به عبارت دیگر به ابدیت. با تولد مداوم، مانند ستاره صبح که هر روز در شرق طلوع میکند، او مطمئن می‌شد که «میلیونها سال» زندگی خواهد کرد.

نیل، این محور شرقی-غربی را قطع میکرد. این محور شاهانه، شامل یک سری حیاط و ستونهای دروازه‌ای بود که قبل از آنها مجسمه‌های عظیم دودمان پادشاهی، حضور ابدی شهیار در معبد را در شکلی مادی بیان میکردند.

نقشهای روی دیوارها، الگوی زندگی دنیای خاصی بود که مصریها در آن می‌زیستند. در زیر نقشها، حاشیه‌ای از توالی جغرافیایی قرار داشت که خدایان نیل با الهه‌های روستا و نیز پیکرهانی که نمادهای مختلف اداری کشور، معروف به نومس بود به تناوب در آن نشان داده شده بودند. سقف معبد با موضوعهای الهام گرفته شده از تم‌های نجومی چون ستاره‌ها، صورتهای فلکی، یا نمادهایی از مسیر آسمانی خورشید در درون بدن نوت (الهه آسمان) تزیین شده بود.

#### سیستم دقیق نمادها

نقش برجسته‌های کوتاه روی دیوارها، وظیفه هراتاق را نشان می‌دادند. خدایان و گیاهانی که نشانه شمال (دلتهای نیل، مصر سفلی) بودند در پهلوهای شمالی، و آنها که مربوط به جنوب بودند (دره نیل یا مصر علیا) در پهلوهای جنوبی قرار داشتند. در امتداد محور قرنیه‌های بلندی که از

هزارها بلوک سنگی ساخته شدند که در اطراف پراکنده و در هم آمیخته‌اند. باستان‌شناسها صورتها این سنگها را در جاهای پیشین خود می‌گذارند تا فرم اصلی بناهای نابود شده را بازسازی کنند.

فرمی که به خودی خود هیچ ویژگی خاصی ندارد: نام معبدهای مصر باستان شبیه هم هستند. در جلوی پرستشگاه اتاقهای سنگفرش شده با تخته سنگهای عظیم قرار داشته است. در محل ورودی، درهای سنگی بزرگی قرار دارند که چهارچوب آنها را دو برج عظیم، به نشانه دو کوه واقع در دو انتهای سرزمین مصر (رشته کوه عربستان در شرق و رشته کوه لیبی در غرب)، تشکیل داده است. درها و برجها، باهم، ساختاری به نام ستون دروازه‌ای تشکیل می‌دادند که مرزهای مکانی مقدس را مشخص می‌کرد. پیش از درگاههای عظیم، تیرهای بزرگ چوبی با پرچمهای افراشته در باد، که حرکتهای «نفس یزدان» را در سراسر جهان آشکار می‌کرد، تزیین شده بودند.

جهت کلی معبدها نیز انتخابی عمدی بود. محور اصلی معبد آمون-رع، مسیر شرقی-غربی خورشید را دنبال میکرد. یک محور عمودی جنوب به شمال، مانند